



مقامات غربی که این روزها مشغول پرونده‌سازی حقوق بشری علیه ایران هستند، در سیرک مجازی **منافقین تروریست** شرکت کردند!

# شرم حقوق بشر در پاریس

نقد رفتار دوگانه غرب در قبال حقوق بشر در گفت‌وگو با فؤاد ایزدی، ابراهیم عزیزی و رضا صدرالحسینی

## قلاده‌های رها

افزایش سگ‌گردانی در معابر عمومی و پارک‌ها موجب سلب امنیت شهروندان شده است

مطالبه عمومی تصویب قوانینی برای محدودیت سگ‌گردانی و برخورد با خاطیان است



### تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از حال و هوای بازار ارز در واپسین روزهای دولت دوازدهم

## حواس‌تان به بازار ارز هست؟

افزایش ۵ هزار تومانی قیمت دلار در ۲ ماه گذشته



نزدیک به ۵۰۰ هزار شکایت شهروندان انگلیسی طی یک سال به خاطر عدم بی‌طرفی بنگاه ملکه

## جانبداری

## کسب وکار BBC

بررسی وضعیت خاطره‌نگاری جنگ تحمیلی در گفت‌وگوی «وطن امروز» با سعید علامیان

## راوی ناگفته‌های جنگ

شناسایی ۱۷۶۶۴ بیمار جدید کرونا در کشور **آمار مرگ‌ومیر تهرانی‌ها ۳ برابر شد**

## جولان دلنا در تهران

### نگاه

## ظرفیتی که ۸ سال نادیده انگاشته شد

**محمدحسن مهدوی‌زادگان:** اخیراً رؤسای جمهوری فرانسه و چین همراه با صدراعظم آلمان در جریان یک گفت‌وگوی سه‌جانبه بر لزوم سرعت بخشیدن و پیشسپرد مذاکرات وین به منظور دستیابی به توافق در کوتاه‌ترین زمان ممکن تاکید کردند. آنگلا مرسکل و امانوئل ماکرون در این کنفرانس ویدئویی اتفاق نظر داشتند که هنوز دریچه‌ای از فرصت برای احیای برجام گشوده است، همچنین سران ۳ کشور در دیدار مجازی خود تاکید کردند باید از فرصت کنونی برای احیای برجام بهره برد تا از تهدیدهای بیشتر برای ثبات منطقه جلوگیری کرد. اگرچه یکی از مقامات ارشد کاخ الیزه اعلام کرده است هدف از این رایزنی یک‌ساعته، تقویت روحیه مذاکره‌کنندگان در وین است اما قطعاً باید از زاویه دید دیگری به این معادله نگریست. مخاطب فرانسوی‌ها و ژرمن‌ها از مانور روی این خیر، افکار عمومی دنیا بوده است!

مناسبات و روابط در نظام بین‌الملل کنونی، نسبت به آنچه در گذشته‌های نه‌چندان دور شاهد آن بودیم تفاوتی عمیق کرده است. در نگاه نئورالیستی، کماکان قدرت دولت‌ها به مثابه یک قدرت ذاتی شناخته می‌شود و این دولت‌ها هستند که حدود و ثغور مفهومی و مصداقی واژگانی مانند امنیت جمعی یا امنیت منطقه‌ای را تعریف و تفسیر می‌کنند. اکنون، در ابتدای هزاره سوم میلادی، دولت‌های غربی بیش از پیش نسبت به جایگاه ملت‌ها و نهادهای غیردولتی در ایجاد و استمرار ساختار قدرت آگاه شده‌اند. در این نگاه نیز دولت‌ها، ملت‌ها را تابعی از عمل، اراده و سیاست‌گذاری خود قلمداد می‌کنند. به عبارت بهتر، افق افکار عمومی دنیا برای این دولتمردان، محلی از اعراب ندارد. اما هدایت افکار عمومی به سوی اهداف نامرئی و آشکار دولت‌های سلطه‌گر برای آنها موضوعیت دارد.

در همین راستا با کلیت‌واژه‌ای به نام دیپلماسی عمومی مواجه هستیم. مناسبات پیچیده و بعضاً رمزآلود حوزه روابط بین‌الملل، دیپلماسی عمومی را تبدیل به ابزاری کرده است که دولت‌ها با توسل به آن بهتر می‌توانند به اهداف ملی خود در رابطه با دیگر کشورها و در صحنه بین‌الملل دست یابند. با این حال، نگاه ماهوی دولت‌ها نسبت به مفهوم دیپلماسی عمومی و متعلقات آن، با یکدیگر متفاوت است. برخی دولت‌ها، مانند آمریکا و کشورهای اروپایی، دیپلماسی عمومی را مجرا و کانونی برای فریب افکار عمومی یا ارائه روایت وارونه از حقایق جاری در عالم سیاست قلمداد می‌کنند. با این حال، در نگاه دولت‌های مستقل و آگاه، دیپلماسی عمومی ظرفیتی برای انتقال حقایق و افق واقعی افکار عمومی محسوب می‌شود.

## خروج از افغانستان؛ یادآور خاطره افتضاح سایگون

اینجینین در افغانستان نمی‌دهد. شاید منطق بایند در این باره منطق قابل توجهی برای خانواده‌های آمریکایی باشند: «آیا شما حاضرید دختران و پسران خود را برای جنگ به افغانستان بفرستید؟» این شعاری است که در سال‌های آخر حضور آمریکا در ویتنام نیز بارها از رسانه‌ها و مردم شنیده شده بود؛ درست آنجا که سربازی اجباری برای آمریکایی‌ها دیگر پاسخگوی نیاز به حضور در ارتش نبود و مردم به بهانه‌های مختلف از ثبت‌نام برای ارتش یا خدمت سربازی سر باز می‌زدند. دادگاه تاریخی مرحوم «محمدعلی کلی» بوسکور آمریکایی و دلایل او برای فرار از خدمت در ویتنام، به بسیاری از سوالات درباره افغانستان نیز پاسخ می‌دهد: «مهم‌ترین علت برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان، مخالفت داخلی مردم آمریکا با ادامه این جنگ است؛ همان مساله‌ای که یک بار مردم شهرهای مختلف آمریکا را در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی برای مخالفت با جنگ ویتنام به خیابان‌ها کشاند. تعدادی از رسانه‌ها و مرتباً افتضاح رخ داده در سایگون را با عملیات‌های خروج از افغانستان مقایسه می‌کنند. در این باره به نظر می‌رسد حق با بایند باشد. دیگر کسی حاضر نیست در جنگ‌های بی‌پایان آمریکا که با شکست نیز همراه می‌شود، حضور داشته باشد.

حالت این سناریو است: آمریکا به حمایت اطلاعاتی و نظامی خود از دولت مرکزی ادامه می‌دهد و هر از گاهی نیز مقرهای طالبان یا گروه‌های مخالف دولت مرکزی را هدف قرار می‌دهد تا دولت غربی همچنان بر بخش کوچکی از افغانستان یعنی کابل و برخی شهرهای نزدیکش حکومت کند و در آرایش جدید قدرتهای سیاسی در این کشور، دولت مرکزی نیز محلی از اعراب داشته باشد. با این حال این سناریو شانس کمی برای پیروزی دارد. نگاه به رسانه‌های آمریکایی البته نشان می‌دهد غیر از دغدغه درباره شکست آمریکا در جنگ ۲۰ ساله، دغدغه‌ها و نگرانی‌های دیگری نیز مطرح است. رسانه‌های آمریکایی همراه با حزب دموکرات نیز زبان به انتقاد از بایند و سیاستش گشوده‌اند و گفته‌اند خالی کردن عرصه، احتمالاً باعث می‌شود ایران، روسیه، چین و هندوستان یا حتی پاکستان و ترکیه نفوذ و بروز خود در این کشور را بیشتر کنند. مهم‌ترین مساله در این باره برای آمریکایی‌هایی که حالا رو به جنگ سرد با چین آورده‌اند، مساله نفوذ چین در افغانستان و بعد از آن نفوذ روسیه در این کشور است؛ مساله‌ای که از زمان اشغال افغانستان به دست نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹ همیشه باعث نگرانی آمریکایی‌ها می‌شد اما این بار به نظر می‌رسد دولت ایالات‌متحده آنقدر زیر بار فشار تلفات نظامی و هزینه‌های حضور در این کشور است که دیگر اهمیتی به موضوعات حاشیه‌ای

طالبان این روزها با همسایگان افغانستان در حال رایزنی و گفت‌وگوی دیپلماتیک است. این گروه پای میز مذاکره با دولت مرکزی نیز حضور دارد و در حال رایزنی و مذاکره برای رسیدن به توافق با دولت است. طالبان سال ۲۰۲۱ نمی‌خواهد حکومت جدیدی را برای افغانستان طراحی کند و به زور آن را اجرائی کند، تنها سببش را از قدرت می‌خواهد و حالا با پیشروی‌های گسترده در مناطق مختلف این کشور و انجام مذاکرات رسمی با دولت مرکزی و در عین حال اطمینان دادن به کشورهای همسایه درباره تأمین امنیت مرزها، به خوبی در راه رسیدن به قدرت تمام در این کشور است. نگاهی به همه این مسائل نشان می‌دهد چرا بایند نمی‌خواست به سوالی درباره میراث آمریکا در افغانستان پاسخ دهد، زیرا این میراث برای آمریکا چیزی جز ذلت و خواری و در عین حال شکست مفتضحانه بعد از ۲۰ سال تلاش نیست. به همین دلیل است که اولویت‌ها و اهداف درباره حمله به افغانستان هر روز در حال تغییر است. جورج بوش در زمان حمله به افغانستان، بردن دموکراسی به این کشور و پایان دادن به تروریسم را هدف اصلی عنوان کرد. حالا بایند مقابل دوربین خبرنگاران به صراحت بیان می‌کند هدف آمریکا نه دولت-ملت‌سازی در افغانستان بوده و نه حتی تشکیل دادن دموکراسی در این کشور! این روزها پیش‌بینی رسانه‌ها و تحلیلگران آمریکایی از آینده افغانستان و همچنین رابطه‌اش با آمریکا در بهترین

تروریستی موجود در این کشور بود. حمله به افغانستان اگر چه تا حدی آنها را ضعیف کرد اما احساسات ضدآمریکایی را به قدری افزایش داد که حالا گروه‌های ضعیف دیگری مانند طالبان نیز با شعارهای ضدآمریکایی و عملکرد خود ضد نیروهای آمریکایی، در حال گرفتن بخش مهمی از خاک این کشور و تسلط بر اوضاع سیاسی و نظامی آن هستند. طالبان - آنطور که رسانه‌های آمریکایی هر روز گزارش می‌دهند و نمودارهای گرافیکی منتشر می‌کنند - در حال گرفتن بسیاری از مناطق افغانستان است و تقریباً نیمی از آن را گرفته است. حضور نیروهای طالبان در شهرها و ولسوالی‌های مختلف افغانستان این بار برخلاف سال‌های قبل از ۱۱ سپتامبر، با زور و کشتار نیست؛ رؤسای قبایل در مذاکره با نیروهای طالبان، براحتی از نیروهای آنها استقبال می‌کنند و کنترل شهرها را به دست آنها می‌سپارند. اگر طالبان قرار بود این بار نیز با کشتار و خون‌ریزی وارد شهرها و روستاهای مختلف این کشور شود، باید موجهی از پناهندگان و آوارگان در افغانستان ایجاد می‌شد و هر روز آماری از کشته‌شدگان و مفقودشدگان منتشر می‌شد اما اخبار مربوط به این روزهای گسترش حوزه قدرت و نفوذ طالبان در افغانستان خالی از هر نوع کشتار گسترده است. همراهی بخش زیادی از مردم افغانستان با این گروه، نتیجه عملکرد ۲۰ ساله آمریکا در این کشور است. در عین حال عدم مقبولیت دولت غربی‌گرا در کابل نیز نشان‌دهنده اشتباه بودن سیاست‌های آمریکا در اعمال زوری دموکراسی در افغانستان است.

## یادداشت

**فرزانه دانایی:** در روزهای ابتدایی ماه جاری میلادی و روز قبل از برگزاری مراسم سالانه روز استقلال آمریکا، خبرنگاری از نظامی آمریکا پرسید. بایند از این سوال آن هم در شب جشن استقلال آشفته شد و پاسخ داد: «مردمن می‌خوام درباره چیزهای شاد صحبت کنیم» علت اعتراض بایند کاملاً مشخص است. او کاملاً از این سوال آشفته بود زیرا نمی‌خواست درباره یک شکست بزرگ در سیاست خارجی آمریکا که ۲۰ سال هم به درازا کشیده بود، در شب جشن استقلال آمریکا صحبت کند.

آمریکا در ۲۰ سال گذشته حدود ۲ تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرده؛ هزاران نفر از افراد خود را در این جنگ -که طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکاست- از دست داد و تعداد زیادی از خانواده‌های افغانستانی را نیز عذاب کرد و در نهایت به این نتیجه رسید این کار آنطور که رسانه‌های آمریکایی بیان کردند، «ماجرای اجوبی‌ای تأسفبار» بود و هیچ فایده دیگری نداشت.

بهانه حمله به افغانستان حضور القاعده در این کشور بوده؛ سازمانی که شکل‌دهنده حملات ۱۱ سپتامبر به برج‌های تجارت جهانی نیویورک بود. بعد از ۲۰ سال، القاعده هنوز هم در افغانستان حضور دارد. رهبران این گروه به ترتیب در عملیات‌های پرهزینه کشته شدند اما این گروه هیچ‌گاه به طور کامل در این کشور از بین نرفته اصلی دولت بوش از بین بردن این گروه و حلقه‌های

### در شبکه‌های اجتماعی

